



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 9, Issue 4 (36), Winter 2020, pp. 19-37

Study and Criticism of the Novel *Om Saad* and *Shina's Daughter* Based on Critical Discourse Analysis

Mahin Hajizadeh¹

Associate Professor of Arabic literature, Faculty of Literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Masoumeh Ghahramanpour²

Ph.D. student of Arabic literature, Faculty of Literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 10/05/2017

Accepted: 11/20/2019

Abstract

Critical discourse is the complete form of discourse analysis, in which the language layers of effective discourses in literary work are identified and examined. In fact, this theory is based on two main axes: linguistic analysis and social analysis, and in critical discourse analysis studies of these two axes, and the relation between these two words are examined. In the social approach of discourse, situational context and in the linguistic approach, textual text is described. This research is based on the types of connections and links, tries to study the literary and social aspects of the novel *Om Saad* Ghassan Konfani and *the daughter of Shina's* Behnaz Zarabzadehon on the basis of the critical discourse model of Fairclough. The descriptive-analytical method and the use of library tools Including: At the level of description, scenes depict a significant part of these two novels, these illustrations help the reader to gain a deep understanding of the subject and the main content of the story and novel. At the level of the commentary, the context of the story is analyzed, the time in *Om Saad* novel dates from the years of the occupation of Palestine by the Zionist occupation and the *Daughter of Shina* to the years of the war between Iran and Iraq. At the level of explanation, it reflects the ideology of the writer, the struggle and resistance to the occupation of the homeland, stability and resistance. Also, in the internal context, the thinking of combating occupation and sustainability and resistance have been addressed to the author.

Keywords: Comparative Literature, Critical Discourse, *Om Saad*, *Shina's Daughter*.

1. **Corresponding Author's Email:**

hajizadeh@azaruniv.ac.ir

2. **Email:**

masoomeh.ghahramanpour@yahoo.com



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۳۹۸، صص. ۱۹-۳۷

بررسی و نقد رمان *امّ سعد* و دختر شینا بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف

مهین حاجی زاده^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

معصومه قهرمان پور^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹

دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۳

چکیده

گفتمان انتقادی، شکل تکامل یافته تحلیل گفتمان است که در آن با توجه به لایه‌های زبانی، گفتمان‌های مؤثر در اثر ادبی شناسایی و بررسی می‌شود؛ در واقع این نظریه بر اساس دو محور اصلی، یعنی تحلیل زبان شناختی و تحلیل اجتماعی استوار است و در پژوهش‌های تحلیل گفتمان انتقادی، از این دو محور و ارتباط این دو، سخن گفته می‌شود. در رویکرد اجتماعی گفتمان، بافت موقعیتی و در رویکرد زبان شناختی، بافت متنی تشریح می‌شود. پژوهش حاضر با توجه به انواع ارتباط‌ها و پیوندها، می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، جنبه‌های ادبی و اجتماعی رمان *امّ سعد* غسان کفانی و دختر شینا بهناز ضرابی زاده را بر پایه الگوی گفتمان انتقادی فر کلاف بررسی کند و برآوردهایی از جمله را دربر دارد: در سطح توصیف، صحنه پردازی بخش قابل توجهی از این دو رمان را به خود اختصاص می‌دهد، این تصویرپردازی‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی داستان و رمان دست یابد. در سطح تفسیر، بافت موقعیتی داستان بررسی می‌شود که زمان در رمان *امّ سعد* به سال‌های اشغال فلسطین به وسیله اشغالگران صهیونیستی و در دختر شینا به سال‌های جنگ بین ایران و عراق برمی‌گردد. در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌نماید؛ همچنین در بافت درونی، تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، گفتمان انتقادی، *امّ سعد*، دختر شینا.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

تحلیل گفتمان، مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آن برای پژوهش در متون مختلف استفاده کرد. در این رویکرد، پژوهشگر بر آن است که رابطه بین مؤلف، متن و خواننده را نشان دهد و در حقیقت معانی نهفته در متن را کشف کند.

تحلیل گفتمان برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲م. در مقاله «تحلیل گفتمان»، از سوی زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیگ هریس^۱ به کار رفت. وی در این مقاله، دیدی صورت‌گرایانه از جمله به‌دست داد و تحلیل گفتمان را تنها نگاهی صورت‌گرایانه (ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد (ر.ک: بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲). پس از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند؛ اما تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند؛ بلکه در مدتی نزدیک به دو دهه، به‌همّت اندیشمندانی همچون میشل فوکو^۲، ژاک دریدا^۳، فرکلاف^۴، میشل پشو^۵ و دیگر متفکران برجسته مغرب‌زمین شکل انتقادی به‌خود گرفت (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷-۱۰)؛ بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی یک گام فراتر از تحلیل گفتمان صرف است؛ زیرا تأثیر و تأثر محیط اجتماعی و گفته‌پرداز از هم و برهم را بررسی می‌کند.

بر پایه این نظریه، میان متن و زمینه متن، رابطه تعاملی وجود دارد و قدرت حاکم بر جامعه، ایدئولوژی گفتمان آن جامعه را تعیین می‌کند. تئوری نورمن فرکلاف، برخلاف تحلیل‌های سنتی که تنها به یک جنبه از متن اهمیت می‌دادند و جوانب دیگر مانند بافت موقعیتی، شرایط اجتماعی، سیاسی، عاطفی و ایدئولوژیکی را نادیده می‌گرفتند، از ابعاد مختلف به متن نگریندگی و تحلیل کلی و چندلایه از آن به‌دست می‌دهد. مفاهیمی همچون ایدئولوژی و قدرت از موضوعات مهمی هستند که در نظریه نورمن فرکلاف بسامد بالایی دارند. وی گفتمان انتقادی را بیشتر در برابر ایدئولوژی جاری جامعه به‌کار می‌گیرد و بر این باور است که گفتمان‌ها به‌وجود می‌آیند تا ایدئولوژی طبیعی شده را به چالش کشیده و با در دست گرفتن قدرت و سلطه، ایدئولوژی خود را فعال کنند. در این نظریه، «زبان» نقش برجسته‌ای داشته و بخشی از جامعه محسوب می‌شود. به‌باور فرکلاف، زبان این قدرت را دارد که به اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل دهد. تغییرات این روندها را نشان دهد و نیز عامل این تغییرات باشد (ر.ک: سعیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

1. Zelig Harris
2. Michel Foucault
3. Jacques Derrida
4. Norman Ferrakloff
5. Michel Pacho

یکی از زمینه های مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی، رمان است. اهمیت روایت در نقل رخدادها تا آنجاست که به منزله ابزاری برای بیان زندگی مردم و اوضاع جامعه آنان استفاده شده است. نوشتار پیش رو نیز متن دو رمان *ام سعد و دختر شینا* را تحلیل کرده است. نویسندگان این دو رمان به ترتیب کنفانی^(۱) و ضرابی زاده^(۲)، با توجه به نهادهای قدرت در جامعه و مسائلی همچون مؤلفه جنگ و پایداری که در تعیین گفتمان موجود در جامعه نقش دارند؛ رمان های خود را که بازتاب خوبی در میان مخاطبان داشته اند را به رشته تحریر در آوردند. در هر دو رمان، مسئله اصلی، مقاومت مردم فلسطین و ایران است که کنفانی و ضرابی زاده واقع گرا، به خوبی به آن جامعه عمل پوشانده اند. در این پژوهش حاضر با توجه به اهمیت جایگاه این دو رمان، نقد آن ها از زوایای مختلف اقبال و اهمیت دارد. رمان های یادشده عناصر منحصربه فردی برای عرضه آن در بوته نقد از منظر گفتمان انتقادی دارند و از انواع الگوهای موجود در این زمینه، با الگوی فرکلاف سازگارتر است.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

با توجه به اینکه تحلیل گفتمان روش پژوهش در علوم انسانی است و نشان می دهد که شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کاربرد زبان، معنی و ساختارها چگونه بر متن اثر می گذارند و با در نظر گرفتن اینکه گفتمان انتقادی فرکلاف، رویکردی مهم و کارآمد در تحلیل متون ادبی و غیر ادبی به شمار می رود و نقش شایانی در فهم لایه های عمیق متن ها ایفا می کند؛ بنابراین، پژوهش در این زمینه، اهمیت بسیاری خواهد داشت؛ از این رو، جستار پیش رو با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف جهان اجتماعی و روابط قدرتی که در دو رمان *ام سعد و دختر شینا* پنهان هستند، را بررسی می کند.

۳-۱. پرسش های پژوهش

- پدیده جنگ در گفتمان رسمی و گفتمانی که غسان و ضرابی زاده با به کارگیری شخصیت های داستان هایشان به وجود آورده اند؛ چه تفاوت ها و شباهت هایی باهم دارند؟

- رمان *ام سعد* و رمان *دختر شینا*، از چه لایه های گفتمان انتقادی برخوردار است؟

- موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که باعث خلق این دو رمان شده است، چه عناصری را در خود نهفته دارد؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

مباحث ساختارشناسی زبانی و مؤلفه های گفتمان مدار در ادبیات و آثار ادبی در چارچوب تحلیل گفتمان به ویژه پس از گسترش رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در میان پژوهشگران از اقبال خوبی برخوردار بوده

است. در این میان، سهم رمان‌ها در بررسی مباحث گفتمانی بیشتر بوده و مطالعات و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

عبّاسی و عبدی (۱۳۹۱)، به این نتیجه رسیده‌اند که سحر خلیفه، از نویسندگان زبردست عرصه رمان‌نویسی پایداری ادبیات عرب محسوب می‌شود که گفتمان ادبی را برای بیان دردها و مشکلات ملت فلسطین به کار می‌برد. بافت موقعیتی رمان به دهه هشتاد برمی‌گردد. عاطفه صادق و فکر و اندیشه پایداری، جزء بافت درونی رمان و تناص (بینامتنی)، تصویر هنری و تکرار و صحنه‌پردازی جزء بافت بیرونی رمان محسوب می‌شود و زبان نیز، عنصر مهمی در گفتمان ادبی وی به‌شمار می‌رود. او دیدی فمینیستی و طبیعت‌گرایانه را در رمانش به همگان القاء می‌کند.

فلاحی و همکاران (۱۳۸۹)، ضمن تقسیم ساخت‌های متنی گلستان به دو دسته ساخت‌های گفتمان‌مدار روایی و پیام‌گزار، متنی از باب نخست تجزیه و تحلیل کرده و نشان داده‌اند که مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مبتنی بر پوشیدگی همچون حذف، منفعل‌سازی، تشخیص‌زدایی، نوع ارجاعی و طبقه‌بندی، در مقایسه با مؤلفه‌های مبتنی بر صراحت، از بسامد بالایی در گلستان برخوردارند. در نهایت، پس از محاسبه میزان رازآلودگی و تبیین آن، چنین استنباط کرده‌اند که یکی از ابعاد راز ماندگاری سخن سعدی، بهره‌گیری وی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مبتنی بر پوشیدگی (از دیدگاه گفتمان‌شناسی، نه عرفان و ادبیات) است که برای وی این امکان را فراهم آورده است تا برخلاف بسیاری از متون، با بافت‌زدایی زمانی، مکانی، تاریخی، سیاسی و پوشیده‌کردن کارگزاران، کنش‌گران و کنش‌پذیران حکایت‌ها، پیام خود را از زبان اینان برجسته کرده و اثر خویش را در ورای زمان، برای تمامی عصرها و نسل‌ها جاودان سازد.

سجودی و احمدی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود تأکید همیشگی بر زن‌محوربودن سینمایی که مؤلف در آن زن است؛ به دلیل انتقال بی‌واسطه سلطه سنت‌های سینمایی و شکل‌گیری گفتمان روایی حاکم بر این اساس، فیلم‌ساز زن نیز ناخودآگاه از منظری مردانه به مسائل ایدئولوژیک نهفته در زبان، جنسیت، طبقه و فرهنگ می‌نگرد. نگرشی که محصول فرایند طبیعی‌سازی و رسوب الگوهای قالبی و از پیش تعیین‌شده به‌وسیله گفتمان غالب است.

آقاگل زاده (۱۳۸۶)، به‌طور کلی رابطه نظریه گفتمان انتقادی با ادبیات را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تحلیل‌گران رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی همچون بافت خرد و کلان از جمله مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و گفتمان وابسته است؛ زیرا رابطه بین مردم و جامعه به‌طور تصادفی و دلخواهی نیست؛ بلکه با نهادهای

اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌گردد.

پژوهش‌های انجام‌شده برپایه این رویکرد، نشان از اهمیت و کارسازی آن در تحلیل جامع و مفید از اثر ادبی دارد. با توجه به پیشینه بحث مشخص شد که دو رمان یادشده، آن‌هم در قالبی تطبیقی از منظر گفتمان انتقادی در هیچ‌یک از مقالات و کتاب‌ها مورد توجه قرار نگرفته و جستار حاضر می‌کوشد این دو رمان را در سطوح سه‌گانه گفتمان انتقادی فرکلاف ارزیابی کند.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، جنبه‌های ادبی و اجتماعی رمان *ام سعد* غسان کنفانی و *دختر شینا* بهناز ضرابی زاده برپایه الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی می‌کند و در این راستا، رمان‌های پیش‌گفته را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل و مقایسه می‌کند.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد فرکلاف

تحلیل گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد. بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت و گوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و... دانسته‌اند. مطالعات گفتمانی بر این نکته تأکید دارد که کاربرد زبان و تفکر به‌شکل همیشگی و کارکردی در تعامل اجتماعی گفتمان نمود می‌یابد (ر.ک: وان دایک، ۱۳۸۲: ۷۲).

دیری نپایید که رویکرد دیگری در زبان‌شناسی پدید آمد که از آن باعنوان «زبان‌شناسی انتقادی» یاد می‌شود. تحلیل گفتمان انتقادی، ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. در اواخر دهه ۱۹۷۹، گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هالیدی یعنی فاوئر^۱، هاج^۲، کرس^۳، و ترو^۴ با انتشار کتاب *زبان و کنترل*، نگرش انتقادی به زبان را پایه‌گذاری کردند. آنان این رویکرد را «زبان‌شناسی انتقادی» نام نهادند. هدف از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. زبان‌شناسان انتقادی این حرکت را جدایی از زبان‌شناسی توصیفی می‌دانستند که تنها به ساختارها و صورت متن توجه دارد و به کارکردهای اجتماعی آن توجه نمی‌کند. آنان سه اصل مهم را مبنای کار خود قرار دادند: ۱. «زبانی که به کار می‌بریم «بیانگر دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت» است. ۲. «تنوع در گونه‌های

1. Roger Fowler
2. Bob Hodge
3. Gunther Crosse
4. Tony Trow

گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدایی‌ناپذیرند؛ از این رو، تنوع زبانی منعکس‌کننده تفاوت‌های اجتماعی ساخت‌مندی است که این تنوع زبانی را ایجاد می‌کنند. ۳. «به‌کارگیری زبان فقط بازتاب فرایند و سازمان اجتماعی نیست، بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱).

تحلیل گفتمان انتقادی بر سازه‌گرایی اجتماعی مبتنی است. به‌طور اساسی، تحلیل گفتمان ساخت‌گرا و نقش‌گرا، در این چارچوب نمی‌گنجد، ولی تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه رویکرد فرکلاف، فوکو، و نظریه گفتمان لاکلا^۱ و موف^۲، همگی ریشه در سازه‌گرایی اجتماعی دارند. و «تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد؛ بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارند؛ لذا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که بار ایدئولوژیک دارند.» (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱).

در نقد امروز ثابت شده که بدون در نظر گرفتن موقعیتی که داستان یا رمان در تعامل با آن شکل گرفته است، نمی‌توان تحلیلی جامع از آن ارائه کرد؛ به همین دلیل، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر تحلیل گفتمان انتقادی و در نتیجه در حوزه نقد محتوایی قرار دارد. نورمن فرکلاف در رویکرد گفتمان انتقادی خویش - که مبنای تحلیل ماست - از نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان انتقادی - اجتماعی، چون مفهوم نظم گفتمان فوکو و گرامشی استفاده کرده است که در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک هژمونی‌نویسندگان و نظرگاه‌های سیاسی آنان بسیار کارآمد است. از نظر او، تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به‌مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله)؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به‌مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متون)؛ و سطح سوم، تبیین: که به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع با تعیین اجتماعی فرایندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آنها مرتبط است (ر.ک: یحیایی ابله‌ای، ۱۳۹۰: ۶۰).

۲-۲. رمان امّ سعد

مجموعه حوادث رمان، حول شخصیت اصلی آن، زنی به نام «امّ سعد» می‌چرخد که در نه پرده یا لوح مجزاً ارائه شده و رشته زمانی مبهمی آنها را به هم پیوند زده است. لوح اول رمان با کاشتن نهال خشکیده‌ای آغاز می‌شود که صبح اولین روز پس از شکست، به دست امّ سعد در حیاط خانه راوی رمان کاشته می‌شود تا بعدها در لوح نهم جوانه بزند و پیشگویی امّ سعد در خصوص حتمی بودن پیروزی و رسیدن صبح امید پس از طی شب ظلمت و شکست محقق شود. امّ سعد شخصیت بی‌همتا و قهرمان اصلی و بی‌بدیل سراسر رمان

است. وی زن روستایی زحمتکش و بی‌سواد است که در چهل سالگی هم‌زمان با اشغال اولیه بخش‌هایی از خاک فلسطین به وسیله صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸، مجبور به ترک دهکده‌اش شده و همچون سایر فلسطینیان اخراجی، در یکی از اردوگاه‌های بیروت پناه گرفته است. از آن پس، سرنوشت ام سعد همواره این بوده که به منزله خدمتکار در منزل راوی و خانه‌های دیگران مشغول کار شود تا از عهده مخارج گران زندگی خانواده برآید.

۲-۳. رمان *دختر شینا*

دختر شینا، داستان کمابیش مفصل و بسیار زیبایی از زبان همسر یکی از شهدای هشت سال دفاع مقدس است. این رمان در نوزده فصل روایت شده است که از دوران کودکی «قدم‌خیر» آغاز می‌شود؛ از زمانی که نامش را به خاطر قدم خوشی که داشت، قدم‌خیر گذاشتند تا زمانی که حماسه زندگی اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد و نامش به منزله همسر شهید «حاج ستار ابراهیمی هژیر» در تاریخ این کشور ماندگار شد.

در ابتدای داستان، روزهای کودکی راوی بیان می‌شود که در روستای قایش متولد شده و به خاطر خوش قدم بودن، «قدم‌خیر» نام می‌گیرد، عزیز کرده و مورد توجه پدر و مادرش، حاجی آقا و شیرین‌جان است و بیشتر از هر کس به پدرش دلبستگی دارد. این دلبستگی او باعث می‌شود که هر طور شده از بار ازدواج شانه خالی کند؛ اما حضور «صمد» و خواستگاری اش از «قدم‌خیر» و واسطه‌گری ریش سفیدان محل، ناگهان پای دختر نوجوان عزیز دردانه را به دنیایی بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر از خانه کودکی‌هایش باز می‌کند. قدم‌خیر پیش از آنکه به ازدواج «صمد» - که نام شناسنامه‌ای اش «ستار» است - دربیاید، بارها و بارها از نگاه او می‌گریزد و انگار از همان ابتدا در تقدیر این دو، دوری و دل‌تنگی رقم خورده است. صمد به سربازی می‌رود، پس از ازدواج برای کار از روستا به تهران سفر می‌کند، برای چند روز بازمی‌گردد و کمی بعد، انقلاب ۱۳۵۷ و جریان قیام مردم بین این دو فاصله می‌اندازد، بازمی‌گردد و سپس دفاع مقدس آغاز می‌شود و دست آخر شهادت است که این دو را تا وفات قدم‌خیر از یکدیگر جدا می‌کند. داستان وقتی به اوج مصیبت می‌رسد که عملیات کربلای پنج آغاز می‌شود. صمد به‌عنوان یکی از فرماندهان عملیات، برادرش را از دست می‌دهد و خود او نیز کمی پس از شهادت برادرش، شهید می‌شود. آخرین بخش داستان، رسیدن خبر شهادت صمد و یتیم‌شدن پنج دختر و پسر قدم‌خیر ۲۴ ساله است.

۲-۴. گفتمان انتقادی دو رمان

۲-۴-۱. در سطح توصیف

در این مرحله، متن جدای از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعه ویژگی‌های صوری که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به منزله انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های مربوط به

واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند. این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است. در این مرحله باید پرسش‌هایی را در نظر داشت: کلمات کدام ارزش تجربی را دارند؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به‌لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ ویژگی‌های دستوری کدام ارزش‌های تجربی را دارند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنش‌گر نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به‌نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلوم‌اند یا مجهول؟ مثبت‌اند یا منفی؟ ویژگی‌های دستوری کدام ارزش‌های رابطه‌ای را دارند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری) استفاده شده است؟ آیا بین ویژگی‌های مهم وجه‌ساز رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا از ضمائر ما و شما استفاده شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آن‌ها چگونه بوده است؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های هم‌پایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۱).

این سطح، در واقع بررسی بافت بیرونی متن از نظر ساختارگرایی و زبان‌شناسی است که در زیر به شرح کلی آن پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که در مرحله توصیف ظواهر بیرونی متن که به‌مانند پل به‌منظور کشف و بررسی محتویات درونی متن که در سطح تبیین مطرح می‌شود بایستی در مرحله توصیف کشف و شناسایی شود.

رمان *م‌سعد* و دختر *شینا* در مورد جنگ است، اما جنگ در اینجا نه از نگاه سردمداران و قدرتمندان، بلکه از نگاه مردم عادی اجتماع به‌نمایش گذاشته شده است. به‌طور معمول، رمان‌های مقاومت و جنگ از دیدگاه طبقه پایین جامعه که درگیر جنگ هستند، روایت می‌شود؛ زیرا زاویه ذهن افراد معمولی به جنگ، واقع‌بینانه و به‌دور از هرگونه ملاحظه‌ای است. آن‌ها به جنگ از لحاظ تأثیرات مثبت و منفی‌ای که در زندگی‌شان دارد، می‌نگرند و تفسیرهای درستی از آن ارائه می‌دهند. در مجموع، *م‌سعد* و دختر *شینا*، شرایط زندگی در فلسطین و ایران را در همان سال‌های جنگ روایت می‌کنند؛ اما نوع نگرش آن‌ها افزون بر شباهت‌ها، از تفاوت‌هایی نیز برخوردار است. این نگاه، سبب شکل‌گیری زبانی ساده و شفاف در دو رمان شده است؛ همچنین عامی‌بودن زبان و برخورداری از لهجه عامیانه در دو اثر، از نتایج به‌کارگیری این زاویه دید در رمان است برای مثال، در رمان *م‌سعد* آمده است:

«سعد ورفاقه. قال لي المختار إنهم ضحكوا عليه، وإن سعد سأله شو يعني أوادم.» (۲۰۱۳: ۱۶)

(ترجمه: سعد و دوستانش. مختار به من گفت، آن‌ها به او خندیدند و سعد از او پرسید منظورت از آدم بودن چیست!)

یا در جایی دیگر می گوید:

«یما یما ... یاما ردی علی ... أنا هون ... أنا سعید یاما جوعان.» (همان: ۴۳)

(ترجمه: یاما یاما جوابم را بده، من اینجا هستم، خوشحالم، گرسنه‌ام.)

یا در مواردی از رمان *دختر شینا* آمده است:

«واقعاً شوکه شده بودم، به پت پت افتادم و پرسیدم مادر چیزیش شده.» (ضرابی زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۵)

همچنین در جایی دیگر می نویسد:

«بعد خداحافظی کرد و رفت. خدیجه صدایم کرد و گفت: «قدم! باز که گند زدی، چرا نیامدی تو، بیچاره، بین برایت چی آورده؛ و به چمدانی که دستش بود اشاره کرد و گفت دیوانه! این را برای تو آورده.» (همان: ۳۳).

همان گونه که ملاحظه می شود، زبان اثر عامیانه و گفتاری و ساده است و این با زاویه دید داستان و موضوع مورد روایت متناسب است. جنگ، پدیده‌ای است که در آن انسان‌های عادی نقش ایفا می کنند. در این میان، دهشتناک‌ترین سوگ‌نامه‌های انسانی رقم می خورد؛ از طرفی بیشترین قربانیان جنگ، نه سیاستمداران و مسببین جنگ و نه سربازان؛ بلکه شهروندان عادی هستن؛ بنابراین، پرداختن به این طیف و طبقه از مردم، از نگاه هردو رمان‌نویس مورد بحث (کنفانی و ضرابی زاده) از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن‌ها مردمان خاکستری جامعه را در قبال پدیده مرگ به خواننده نشان می دهد.

هدف کنفانی ارائه تصویری غیر واقع‌بینانه و رمانتیک از مرگ نیست؛ از این رو، توصیف او از مرگ واقعی و بنابر رویکرد رئالیسم گرای اوست. ترسیم فضای جنگ و جامعه، از دغدغه‌های اصلی این نویسنده است. از این رو، می کوشد تا این تصویر واقعی و چه بسا تلخ را برای خواننده به نمایش بگذارد:

«كان ذلك الصباح تعيساً. وبدت الشمس المتوهجة وراء النافذة وكأنها مجرد قرص النار يلهب تحت قبة من الفراغ المروع، كنا نطوي أنفسنا على بعضها كما تُطوي الرايات. وفجأة رأيتها قادمة من رأس الطريق المحاط بأشجار الزيتون وبدت أمام تلك الخليفة من الفراغ والصمت والأسى مثل شيء ينبثق من رحم الأرض. قمت ووقفت أمام النافذة وأخذت أنظر إليها تمشي بقامتها العالية كرمح يحمل قدر خفي.» (۲۰۱۳: ۹)

(ترجمه: آن صبح، صبح شومی بود. خورشید درخشان در پشت پنجره ظاهر شد، گویی فقط شعله‌ای از آتش است که در زیر گنبد خلأی وحشتناک می سوزد، ما در همدیگر می پیچیدیم، همان‌طور که پرچم‌ها پیچیده می شوند. ناگهان، او را دیدم که از بالای جاده‌ای که با درختان زیتون احاطه شده بود، می آمد. خلأ، سکوت و اندوه در وجود او همانند چیزی که از رحم زمین بیرون می آمد، نمایان بود. برخاستم و جلوی پنجره ایستادم و شروع به دیدن او کردم. او که با قامت بلندش مثل نیزه‌ای که سرنوشت پنهانی آن را حمل می کند، در حال قدم زدن بود.)

با وجود این توصیف تلخ و واقع‌بینانه‌ای که کنفانی به پدیدهٔ جنگ دارد و این پدیده در لایه‌های زبانی رمان با آن همه وحشت و سختی نمود یافته، در اثر ضرباتی زاده به دلیل غلبهٔ نگاه عرفانی و گاه رمانتیک نویسنده، از این تلخی کاسته شده و با نگاه خوش‌بینانه به تقدیر جنگ و شهادت می‌نگرد؛ البته صبغهٔ خاطره‌نویسی که بر رمان دختر شینا غلبه دارد، در پدید آمدن این قضیه بی‌تأثیر نبوده است و در خاطرات همهٔ تلخی‌ها نیز با بیانی خاطره‌انگیز و خوب نمایان می‌شود؛ مانند نمونهٔ زیر:

«به باغ بهشت که رسیدم، دویدیم. گفتم «می‌خواهم حرف‌های آخرم را به او بگویم». چه جمعیتی آمده بود. تا رسیدم، تابوت روی دست‌های مردم به حرکت درآمد. دنبالش دویدم، دیدم تابوت آن جلو بود و منتظر ماست. ایستادم توی صف. بعد از نماز، صمد دوباره روی دست‌ها به حرکت درآمد، همیشه مال مردم بود. داشتند می‌بردندش؛ بدون غسل و کفن. با همان لباس سبز و قشنگ.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۷)

فضایی که کنفانی و ضرابی‌زاده در اینجا ترسیم می‌کنند؛ فضای رنج و ترس است، اما نگاه ضرابی‌زاده، رمانتیک‌تر و دلنشین‌تر است و این از تأثیر گذاری مقولهٔ شهادت به‌عنوان یکی از نهادهای گفتمانی قدرت در جامعهٔ شیعه است. به‌طور کلی شخصیت رمان‌های جنگ همواره در احساسی از خلأ و سرگردانی و ستم به‌سر می‌برند. شاید این امر به تاریخ و جغرافیای مکانی برگردد که نویسندگان حوزهٔ ادبیات پایداری در پی نشان دادن آن به مخاطبان نشان هستند. در این رمان‌ها نیز کنفانی و ضرابی‌زاده همان فضا را درگیر در جنگی که شهروندان ناخواسته با آن روبه‌رو می‌شوند، به‌تصویر می‌کشند.

از لحاظ واژگانی، نوع واژگانی که در متن این رمان‌ها دیده می‌شوند، حال و هوای آن روزها را در ذهن تداعی می‌کند. کاربرد پرمسامد واژگانی همچون جنگ، انفجار، شهید، مقاومت و مردم، از جملهٔ این کلمات هستند که مدام در رمان‌های پیش‌گفته تکرار می‌شوند. کلماتی همچون پادگان و آواره‌گاه، شهادت، مخیم و... در هر دو رمان از بسامد بالایی برخوردارند.

راوی بودن زن، یکی دیگر از موارد قابل بررسی در رمان در سطح توصیف است. در رمان *م‌سعد*، زنی که فرزندش را به جنگ فرستاده و در رمان *دختر شینا*، زنی که همسرش در جنگ شهید شده است؛ بنابراین، هر دو، حال و روز دو زن تنها را روایت می‌کنند و زبانی متناسب با چنین شخصیتی اختیار کرده‌اند و بدین واسطه، عنصر عاطفه در این دو رمان موج می‌زند و فضای عاطفی در بیشتر مواضع رمان بر فضای واقعی و حقیقی غلبه دارد؛ همان‌طور که در مورد زیر از رمان کنفانی که *م‌سعد* قصهٔ شهادت فرزندش را روایت می‌کند، دیده می‌شود:

«قلت للمرأة التي جلست بجاني في الباص أن ولدي أضحي مقاتلا آنذاك. ... ولذلك تدكرت الآن قلت لها اني أحبه وسأشتاق

له، ... أعتقد أنهم سيعطونه رشاشا؟ ... أود لو كان قريبا فأحمل له كل يوم طعامه من صنع يدي.» (۲۰۱۳: ۳۲) (ترجمه: من به زنی که در اتوبوس کنارم نشسته بود، گفتم که پسر من در آن زمان رزمنده شده است... الآن به یاد آوردم که به او گفتم من عاشق پسر من هستم و دلم برای او تنگ می شود، ... آیا فکر می کنی به او مسلسل می دهند؟ ... دوست دارم اگر نزدیک بود، هر روز دست پخت خودم را برایش می بردم.)

ضرابی زاده از زبان راوی داستان قدم خیر، خداحافظی با صمد را به زیبایی و با لحنی عاطفی روایت می کند: «می خندید و دندان های سفیدش برق می زد... دلم می خواست خم شوم و به یاد آخرین دیدارمان پیشانی اش را ببوسم. زیر لب گفتم: خداحافظ. همین. دیگر فرصت حرف بیشتری نبود. چند نفر آمدند و صمد را بردند. صمدی که عاشقش بودم او را بردند و از من جدایش کردند. سنگ لحد را که گذاشتند و خاک ها را رویش ریختند، یک دفعه یخ کردم، آن پاره آتشی که از دیشب توی قلبم گر گرفته بود، خاموش شد.» (۱۳۹۰: ۲۴۸)

۲-۴-۲. در سطح تفسیر

متون بر اساس پیش فرض هایی که به ویژگی های متنی ارزش می دهد، تولید و تفسیر می شوند. تفسیرها، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه) مفسر است که در تفسیر متن به کار می بندد (ر.ک: فر کلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در واقع، مرحله تفسیر روشن می سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند. از نظر فر کلاف، قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه های بینامتنی بر آگاهی های پیشین، مانند نظم های اجتماعی و کنش متقابل تاریخی، منطبق است. در این سطح نیز باید به پرسش هایی چند نظر داشت: ۱- بافت یا زمینه: تفسیرهای مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی چیست؟ ۲- انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود؟ مرحله تفسیر به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی های نهفته در پیش فرض های یادشده نیست تا کنش های گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل کند. در تحقق این هدف مرحله تبیین ضرورت دارد (ر.ک: همان: ۲۱۵-۲۴۴).

در این مرحله، چهار پرسش مطرح می شود: ۱. ماجرا چیست؟ ۲. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ۳. روابط میان آنان چیست؟ ۴. نقش زبان در پیش برد ماجرا چیست؟ همچنین در این مرحله توجه می شود که چه نوعی از انواع گفتمان وجود دارد و در نتیجه کدامین قواعد نظام و اصول در نظام آوایی، دستور، انسجام جمله ای، واژگان، نظام های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می شود. (حدادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶)؛ اما در خصوص پرسش اول باید گفت که *ام سعد و دختر شیئا* رمان هایی هستند که حوادث جنگ را در فلسطین و ایران بیان می کنند. کنفانی و ضرابی زاده که هر دو نویسنده ای اجتماعی و واقع گرا هستند، در زیرساخت هر یک از رمان های خود از اتفافی که در تاریخ فلسطین و ایران افتاده و اثرات مهمی که در

عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته‌اند؛ استفاده می‌کنند تا تصویر و درکی از آن حادثه را در قالبی هنری پیش روی خواننده بگذارند. این دو نویسنده گرچه موضوعی سیاسی را که همانا جنگ است را برای پردازش انتخاب کرده‌اند؛ اما در رمان خود از توجه به لایه‌های اجتماعی و فرهنگی غافل نبوده و در مجموع، نگاهی واقع‌گرا در بیان تلخی‌های زندگی دارند؛ برای مثال، در رمان امّ سعد انتقاد گزنده‌راوی از اوضاع اجتماعی نمایان است:

«واهنز الجلیل أمامی، ثمة دموع عميقة أخذت تشق طريقها إلى فوق، لقد رأيت أناساً كثيرين يبكون. رأيت دموعاً في عيون لا حصر لها، دموع الخيبة واليأس والسقوط والحزن والمأساة والتصدع، رأيت دموع الوجد والتوسل، دموع التدم والتعب، الإشتياق والجوع والحب، ولكنها أبداً، أبداً، لم تكن مثل دموع امّ سعد.» (۲۰۱۳: ۲۸).

(ترجمه: کوه جلوی من لرزید، اشک‌های عمیقی هستند که راه خود را به بالا باز می‌کنند، من مردم زیادی دیده‌ام که گریه می‌کنند. اشک را در چشمان تعداد بی‌شماری از آن‌ها دیده‌ام، اشک ناکامی، ناامیدی، سقوط، اندوه، فاجعه و شکاف، اشک‌های وجد و توسل، اشک‌های پشیمانی و خستگی، اشتیاق، گرسنگی و عشق را دیده‌ام؛ اما هرگز، هرگز، مثل اشک امّ سعد نبود.)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شاعر با مدّ نظر داشتن موضوعی سیاسی، زمینه را برای بیان انتقادات و نظرات و خود در مقابل مصیبت‌های موجود اجتماعی در جامعه فراهم دیده و بالحنی گزنده و گیرا آن را بیان کرده است. چنین ساختار و ماجرای در رمان دختر شینا هم پدیدار است و راوی با رویکرد خاطره‌نویسی در جای مناسب به بیان انتقادات و تفسیر مشکلات اجتماعی پرداخته است؛ آنجا که می‌نویسد:

«عصبانی بودم. گفتم از وقتی رفتی، دارم فکر می‌کنم؛ یعنی این جنگ فقط برای من و تو و این بچه‌های معصوم است. این همه مرد توی این روستاست، چرا جنگ فقط مرا گرفته است.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، روای از پدیده جنگ دل‌خوشی ندارد و با وجودی که رمان دفاع مقدّسی جنگ را سبب تعالی می‌داند؛ در اینجا راوی مخالفت خود را با جنگ اعلام می‌دارد که با روحیه زنانه او تناسب دارد؛ البته به تدریج این مخالفت کاسته می‌شود و راوی به‌مانند صمد، شخصیت اصلی داستان جنگ را وظیفه‌ای شرعی و ملی می‌داند که باید بدان عمل کرد. مهم در اینجا نگاه خاص راوی به چنین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است؛ اما در مجموع رمان دختر شینا کتاب خاطره است تا رمان؛ و بیشتر مشکلات شخصی و کارهای خانگی شخصیت‌ها در آن بیان شده است؛ از این رو کمتر بازتاب مشکلات و مصائب و مسائل اجتماعی در آن نمود یافته است. نویسنده در اشاراتی گذرا در لابه‌لای بیان مسائل شخصی خود، در صورت نیاز به مسائل اجتماعی و تفسیر آن گریزی می‌زند که در نمونه پیش گفته مشاهده شد.

شخصیت‌های هر دو رمان نیز مردمی هستند که در بطن این رویدادها زندگی می‌کنند و تجربه زیستی

آن‌ها تحت تأثیر مستقیم این حوادث است. این قضیه در رمان *ام سعد* تبلور بیشتری دارد و این شخصیت بیشتر با مردم دم‌خور می‌شود؛ اما در رمان *دختر شینا*، به‌خاطر سبک خاطره‌نویسی، بیشتر جنبه فردی (خانگی) دارد تا جنبه اجتماعی و هم‌زیستی با مردم؛ برای مثال، موضوع اصلی رمان *ام سعد*، در پرداختن به شخصیت زن و مادری به‌نام *ام سعد* خلاصه می‌شود که هم‌زمان در دو قالب موازی تجلی یافته است؛ قالب اول مادر واقعی و انسانی و قالب دوم مادر اسطوره‌ای و نمادین. *ام سعد* در قالب دوم خویش نماد طبقات زحمتکش و رنج‌دیده ساکن در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی و نیز نماینده تمام مادران فلسطینی همسان خویش است که به‌جای پذیرفتن خواری و ناامیدی، با اراده، راه‌پایداری را برگزیده و در همین راستا، هم با خاک و هم با مردان سلحشور پایداری هم‌صدا و هم‌نفس شده‌اند. به‌نظر می‌رسد نویسنده به‌طور هم‌زمان هم به بُعد نمادین و هم واقعی شخصیت *ام سعد* و اینکه وی شخصیتی برخاسته از تجربه واقعی زندگی پناهندگان است، توجه دارد.

در رمان *دختر شینا*، قدم‌خیز از بیان خشم‌ها، رنجش‌ها، عشق و دل‌تنگی‌هایش هراسی ندارد. مصیبت‌های تلخ زندگی بدون صمد، از به‌دنیا آوردن و بزرگ کردن بچه‌هایش تا سرمای صف‌ناوایی و دبه‌های بیست‌لیتری نفت را بازگو می‌کند، اما همه این سختی‌ها چیزی از استقلال او در اداره زندگی نمی‌کاهد. وی بی‌پروا روزهای زندگی همسر یک رزمنده‌بودن را روایت می‌کند. از صبوری‌ها و آرزوهایی می‌گوید که هیچ‌وقت محقق نمی‌شوند و با این حال، بارها می‌ایستد و برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند. کتاب، با شهادت صمد تمام می‌شود. در مجموع، نگاه زنانه قدم‌خیز به جنگ، با ایستادگی صمد خنثی می‌شود:

«قدم جان، این همه سال خانمی کردی، بزرگی کردی، خیلی جور من و بچه‌ها را کشیدی، ممنون؛ اما رفیق نیمه‌راه نشو. اجرت را بی‌ثواب نکن. بین من همان روز اولی که امام را دیدم، قسم خوردم تا آخرین قطره خون سربازش باشم و هر چه گفت بگویم چشم. حتماً یادت هست؟ حال هم امام فرمان جهاد داده و گفته جهاد کنید. از دین و کشور دفاع کنید. من هم گفته‌ام چشم. نگذار روسیاه شوم.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

اما *دختر شینا* ادامه دارد. او پس از فصل آخر کتاب، فصل تازه‌ای را آغاز می‌کند و آن بزرگ کردن کودکش است. پس از صمد او می‌ماند و پنج بچه کوچک.

۲-۳-۴. در سطح تبیین

از نظر فرکلاف، در سطح تبیین به این مسئله توجه می‌شود که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر ساختارها می‌گذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر این ساختارها می‌شوند؛ همچنین تأثیرات اجتماعی گفتمان بر آینده نیز می‌تواند در این قسمت بررسی شود (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۶). درحقیقت در این سطح از

گفتمان، پرسش‌هایی همچون: «چه نوع از روابط در قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل‌دادن این گفتمان مؤثر است؟ چه عناصری از پیش‌انگاشت که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی و اجتماعی چیست؟ آیا در خدمت روابط قدرت موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟» (همان: ۲۵۰-۲۴) و... مطرح می‌شود.

درواقع، مشخص کردن روابط قدرتی که در سطوح گوناگون اجتماعی در شکل‌دادن به گفتمان‌های امّ سعد و دختر شینا مؤثر بوده‌اند و این پرسش که آیا این دو رمان از جمله داستان‌هایی هستند که در خدمت قدرت موجود بوده یا در جهت دگرگون‌ساختن آن، گام برداشته است. با توجه به این نکات درباره رمان، باید گفت که مناسبات قدرت تأثیر بارزی در نحوه شکل‌گیری و سمت و سوی حوادث دارند و با آن عجین شده‌اند و یکدیگر را نقض نمی‌کنند. قدرت بی‌بدیل سیاسی و اجتماعی در این رمان، مبارزات سیاسی و پایداری است که نیروهای برهم‌زننده و مخالف این جریان که سعی در کم‌رنگ کردن آن دارند، کاری از پیش نمی‌برند؛ زیرا شخصیت‌ها با تمام وجود خود را در اختیار این موضع قدرت قرار داده و هم‌سو با آن حرکت می‌کنند. این هم‌سویی در رمان با به‌شهادت‌رسیدن فرزندان امّ سعد و شهادت همسر قدم‌خیر به‌نمایش گذاشته شده است:

«هذه المرأة تلد الأولاد فيصيروا فدائيين، هي تخلف وفلسطين تأخذ.» (۲۰۱۳: ۷۳)

(ترجمه: این زن فرزندان به‌دنیا می‌آورد که رزمنده و فدایی می‌شوند، او فرزندان خلف برجا می‌گذارد و فلسطین می‌گیرد.)

یا اینکه ضربانی‌زاده از نگاه راوی صحنه شهادت صمد را به گونه‌ای عرفانی مجسم می‌کند و می‌نویسد: «بقیه بدنش سالم و سالم بود، با همان لباس سبز پاسداری‌اش آرام آسوده خوابیده بود. صورتش مثل آن روز که از حمام آمده بود و آن پیراهن چهارخانه سفید و آبی را پوشیده بود، قشنگ و نورانی شده بود.» (۱۳۹۰: ۲۴۸)

بیشتر شخصیت‌های هر دو رمان از زنان تشکیل می‌دهند که امّ سعد و قدم‌خیر، اصلی‌ترین آن‌ها به‌همراه شخصیت‌های فرعی زن پرشماری که به‌طور معمول از یک طیف هستند؛ شخصیت‌هایی مبارز و اهل مقاومت و پایداری؛ و این نشان از سیطرگی رابطه قدرت و گفتمان جامعه بر گفتمان خاص رمان دارد؛ بنابراین، گفتمان غالب بر جامعه اسلامی ایران و فلسطین بر شکل‌گیری گفتمان رمان تأثیر گذاشته و رمان به‌طور کامل مطابق با این گفتمان شکل گرفته است؛ زیرا زن که باید در مقابل چنین حوادث و پدیده‌هایی

تحمل نکند و برخلاف فضا و گفتمان غالب جامعه عمل کند؛ اگر چنین نکند، نشان از قدرت مضاعف آن گفتمان دارد؛ بنابراین، غسان و ضرابی زاده به عمد چنین شخصیت‌هایی را از بطن جامعه انتخاب می‌کنند که حقیقت دارند و خیالی نیستند:

«ام سعد امرأة حقیقة، أعرفها جيداً وما زالت أراها دائماً وأحادثها وأتعلّم منها، تربطني بها قرابة ما. ومع ذلك فلم يكن هذا بالضبط، ما جعلها مدرسة يومية، فالقرابة التي تربطني بها واهية إذا ما هي فيست بالقرابة التي تربطها بتلك الطبقة الباسلة، المسحوقة والفقيرة والمرمية في مخيمات البؤس والتي عشت فيها ومعها، ولست أدري كم عشت لها.» (۲۰۱۳: ۷).

(ترجمه: ام سعد زنی واقعی است، او را به خوبی می‌شناسم و همیشه او را می‌بینم و با او صحبت می‌کنم و از او یاد می‌گیرم، میان ما رابطه خویشاوندی وجود دارد. با این وجود، این رابطه به‌طور دقیق همان چیزی نیست که باعث شده او به مکتبی روزانه برای من تبدیل شود، بلکه رابطه خویشاوندی بین ما ضعیف است، به‌ویژه اگر این رابطه خویشاوندی با رابطه‌ای که او را به آن طبقه شجاع، سرکوب‌شده، فقیر و پرتاب‌شده در اردوگاه‌های بدبختی که من در آنجا با او زندگی می‌کردم، مقایسه شود. نمی‌دانم که چه مدت به‌خاطر او زندگی کردم).

یا درباره‌ی قدم‌خیز، کنعانی که شخصیتی واقعی در رمان است و ضرابی زاده درباره‌ی آن می‌نویسد: «این موضوع برای من بسیار تأمل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می‌کرد، به فضای شهر آمده و به‌تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمش بزرگ کردن فرزندانش شده بود؛ بنابراین، تصمیم گرفتم درباره‌ی فراز و نشیب‌های زندگی این زن با او مصاحبه کنم.» (۱۳۹۰: ۱).

حربه‌ی دیگر قدرت که در مقابل گفتمان غالب در جامعه در رمان شکل می‌گیرد، جنگ است که می‌کوشد بر گفتمان رمان تأثیر گذاشته و آن را به سمت و سویی که خود می‌خواهد، یعنی مخالفت با جنگ و دست‌شستن از مبارزه و پایداری بکشاند؛ اما رمان‌های یادشده، این ایده را برنمی‌تابند و جنگ سبب نمی‌شود تا نقش مبارزه و مقاومت آن‌ها کم‌رنگ شود؛ اما این هیچ‌وقت به‌معنای تبلیغ جنگ و علاقه به ادامه‌ی آن نیست و این رمان‌ها در اساس، داستان‌هایی ضد جنگ هستند. غسان و ضرابی زاده با ترسیم شخصیت‌هایی پروماتیک می‌کوشند زندگی واقعی مردم و نه زندگی هاله‌سازی‌شده تبلیغات جنگ را نشان دهد. فضای جنگ نه همواره فضای مقاومت و ایثار، بلکه فضای دلهره، ترس، نارضایتی و مرگ است. در این رمان‌ها مردمی با گوشت و پوست و استخوانشان در حال تجربه‌ی جنگ هستند. غسان و ضرابی زاده در رمان‌های *ام سعد* و *دختر شینا* می‌کوشند تا از جنگ تقدس‌زایی کنند. آن‌ها در این آثار، سعی دارند فرم‌های مختلف خشونت جنگ را نشان دهند؛ همچنین اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری یکی دیگر از اهداف این دو نویسنده بوده است؛ بنابراین، در هر دو رمان، شخصیت‌های اصلی، یعنی ام سعد و قدم‌خیز، دوست دارند جنگ تمام شود و فرزند و همسرشان سالم به خانه و زندگی‌شان برگردند:

«وَأَنْتَ؟ مَاذَا سَتَفْعَلُ يَا ابْنَ الْعَمِّ؟ عَشْرُونَ سَنَةً مَضَتْ وَأَمْسَ تَدْتَكْرِكُ أَنْ أَسْمَعَ فِي اللَّيْلِ أَنْ الْحَرْبَ انْتَهَتْ، وَقَلْتُ لِنَفْسِي يَجِبُ أَنْ أُزَوِّجَهُ، وَلَوْ كَانَ سَعْدٌ هُنَا لَقَالَ لِي: هَذِهِ الْمَرْةُ دَوْرَهُ هُوَ أَنْ يَزُوْرِنَا ... فَهَلْ سَتَفْعَلُ؟» (۱۳: ۲۰: ۱۵).

(ترجمه: و تو؟ چه کار می کنی پسرم؟ بیست سال گذشت و دیروز به یادت افتادم، وقتی شب شنیدم که جنگ به پایان رسیده است، باخودم گفتم باید او را ببینم و اگر سعد اینجا بود به من می گفت: این بار، دیگر نوبت اوست که به دیدن ما بیاید... پس آیا این کار را می کنی؟)

یا اینکه در رمان دختر شینا، قدم خیر هربار که شوهرش از مرخصی برمی گردد، دوست دارد بیشتر پیش او بماند و هربار از او قول می گیرد که دیگر به جنگ نرود:

«زمستان ۱۳۶۴ بود، بار آخری که به مرخصی آمد، گفتم صمد این بار دیگر باید باشی. به قول خودت این آخری است ها!» (۱۳۹۰: ۲۰۷)

در رمان‌های غسان، راوی می تواند از شخصیت‌های داستان باشد و در عین حال می تواند هیچ کدام از آن‌ها نیز نباشد. او تنها تماشاگر این ماجرای غم‌انگیز است. در اینجا جنگ از آن قلمروی اخلاقی که با گفتمان رسمی تولید می شود، فاصله می گیرد.

غسان و ضربایی زاده در این دو رمان می کوشند نارضایتی عاطفی شان را از جنگ و فضایی که ایجاد شده است، بیان کنند. غسان با نشان دادن انواع خشونت در جنگی که خود شاهد مستقیمش بوده است، مخاطبانش را با چهره واقعی جنگ آشنا کند. در هر جنگی این گفتمان‌های خشونت هستند که برای توجیه هر عملی به جریان می افتند و با استفاده از احساسات میهن پرستی و مذهبی و قومی مردم، نقد خودش را به ویژه در آن لحظات دور از دسترس جلوه می دهد؛ اما در رمان /م سعد و دختر شینا، با خلاقیت نویسنده هایش، تنها نشان دادن همان جنگی که در جریان است، کفایت تا خواننده را درگیر خوانشی پذیرا و سازنده کند. خوانشی که هدفش قهرمان پروری و توجیه جنگ و گفتمان‌های آن فضا است.

۳. نتیجه گیری

در تحلیل رمان‌های /م سعد و دختر شینا دیده شد که چگونه گفتمان خشونت و جنگ در جامعه به یکدیگر پیوند خورده و در زبان قربانی هایشان نیز بازتولید می شوند؛ از طرف دیگر، با توجه به نظام ارزش‌هایی که در هر جامعه وجود دارد و در گفتمان رسمی آن جامعه و در هر متنی (ادبی و غیر ادبی) کم و بیش تکرار می شود، می توان با بررسی رمان‌های یادشده که در ژانر رئالیسم اجتماعی نیز قرار می گیرند، به درک روشن تری از ارزش‌های آن جامعه دست یافت. این رمان‌ها، جامعه درگیر در جنگی را نشان می دهند که بعضی از عناصر ارزشی اش بنا به اضطرار در گفتمان‌های رسمی و غیر رسمی جای می گیرند و برجسته سازی می شوند که می توان به گفتمان میهن پرستی، مقاومت و پایداری، اشاره کرد.

رمان‌های مورد بررسی و تحلیل آن در سه سطح این الگو، نتایج زیر را در پی داشته است:

در سطح توصیف رمان‌ها باید گفت که به‌طور کلی زبان این رمان‌ها روان و برای خوانندگان قابل فهم است. اسلوب بیان استوار، متین و دارای صداقت لحن است. عناصر تکرار در رمان‌ها که بیشتر درباره مفاهیم اخلاقی بوده است، نشان از اهمیت بالای آن در عصر نویسنده دارد. صحنه‌پردازی بخش قابل توجهی از این دو رمان را به‌خود اختصاص می‌دهد. این تصویرپردازی‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی رمان‌ها دست یابد.

در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌نماید.

در سطح تفسیر، بافت موقعیتی داستان بررسی می‌شود که زمان این داستان به سال‌های اشغال فلسطین به‌وسیله اشغالگران صهیونیستی و جنگ ایران و عراق برمی‌گردد که حضور آن در سرتاسر این دو رمان قابل مشاهده است. در بافت درونی نیز تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه قرار گرفته است.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) غسان کنفانی: در عرصه ادبیات داستانی، هنر و ادبیات مقاومت فلسطین، نام غسان کنفانی نویسنده بزرگ و پرآوازه این کشور بیش از سایر نویسندگان به چشم می‌خورد، تا آنجا که آثار وی به زبان‌های انگلیسی، اسپانیولی، آلمانی، ژاپنی، مجاری، چکی و روسی و فارسی ترجمه شده است و باوجودی که سال‌ها از شهادت غسان می‌گذرد، آثار وی اعم از قصه‌های کوتاه یا رمان و آثار ادبی وی، مورد بحث پژوهش‌های ادبی و دانشگاهی و غیر دانشگاهی در خاور و باختر جهان و دنیای عرب است و پژوهشگران بسیاری آثار داستانی وی بررسی و تحلیل کرده‌اند.

کنفانی، یکی از مشهورترین نویسندگان ادبیات عرب است که در شکل‌گیری ادبیات مقاومت و معرفی آن به جهانیان نقش بسزایی داشت. وی در آوریل سال ۱۹۳۶ میلادی در شهر عکای فلسطین متولد شد. با اشغال فلسطین، او و خانواده‌اش مجبور شدند سرزمین خود را ترک کنند. آوارگی در لبنان، پناهجویی از سوریه و تبعید به کویت، بخش عمده‌ای از زندگی او را در جستجوی هویت اصلی خویش شکل داد. افزون بر تدریس در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی و فعالیت مطبوعاتی و سیاسی؛ آثار متعدّد داستانی، چند نمایش‌نامه و کتاب در زمینه نقد ادبی حاصل عمر کوتاه و پربار اوست. وی در سال ۱۹۷۲ میلادی در حادثه‌ای تروریستی به شهادت رسید (ر.ک: بصیری و فلاح، ۱۳۹۳: ۱).

(۲) بهناز ضرابی‌زاده: در سال ۱۳۴۷ در همدان دیده به‌جهان گشود. ضرابی‌زاده کارشناس مسئول آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. او تاکنون سردبیری نشریه استانی جاودانه‌ها، دبیر انجمن داستان دفاع مقدس از سال ۱۳۸۶، عضو شورای نویسندگان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، عضو شورای انتخاب کتاب بنیاد شهید استان همدان، دبیر انجمن داستان سازمان بسیج هنرمندان را برعهده داشته است. تألیف و چاپ بیش از دویست و پنجاه اثر داستانی و ادبی در نشریات و مجلات برگزیده کشوری از دیگر فعالیت‌های وی است (www.sooremehr.ir).

ضرابی‌زاده در بیش از سی جشنواره داستان‌نویسی سراسری از جمله کسب مقام اول در نخستین جایزه داستان ویژه مخاطبان کودک و نوجوان با موضوع امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، برگزیده شده و در چهارمین و ششمین جایزه ادبی اصفهان از وی تقدیر شده است و کسب مقام‌های برگزیده در هشتمین، نهمین و دهمین جشنواره مجمع خبرنگاران و نویسندگان دفاع

مقدّس را در کارنامه خود دارد. او همچنین مقام‌های اول، دوم، سوم در یادواره شهدای دانشجویی کشور، مقام برتر در کنگره سراسری حضرت زینب (س)، مقام برگزیده در سیزدهمین جشنواره کتاب سال (سلام) برای تألیف کتاب *آدم‌پروری* را دارد. در سال ۱۳۸۸ آموزش و پرورش و سازمان بسیج هنرمندان، او را به‌عنوان نخبه بسیجی معرفی کردند. داوری مسابقات مختلف ادبی استانی، بیش از ده مورد همکاری با مجلات کیهان بچه‌ها و رشد دانش‌آموز را نیز در کارنامه درخشان خود دارد (www.farhangnews.ir).

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب پژوهی*، ۱ (۱)، ۱۷-۲۷.
- بصیری، محمدصادق و نسرین فلاح (۱۳۹۳). مبانی نظری ادبیات مقاومت در آثار غسان کفانی. *ادبیات پایداری*، ۶ (۱۰)، ۶۵-۹۰.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- حدادی، الهام؛ فریده داودی مقدم و مصطفی گرجی (۱۳۹۰). کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف. *نقد ادبی*، ۵ (۱۸)، ۲۵-۴۹.
- سجودی، فرزانه و فاطمه احمدی (۱۳۸۸). تحلیل انتقادی گفتمان فیلم «روسری آبی». *هنر و معماری، پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۶ (۱۲)، ۱۱۲-۱۲۸.
- سعیدی‌نیا، گلرخ (۱۳۸۸). زبان و جهانی‌شدن، نورمن فرکلاف. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۱۰)، ۱۸۱-۱۸۶.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۰). *دختر شینا*. تهران: سوره مهر.
- عبّاسی، نسرین و صلاح‌الدین عبدی (۱۳۹۱). بررسی رمان الصّبار سحر خلیفه (براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف). *نقد ادب معاصر عربی*، ۲ (۳)، ۱۰۱-۱۲۳.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلاحی، محمد هادی؛ نسترن توکلی و سیامک صاحبی (۱۳۸۹). بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱ (۱۶)، ۱۰۹-۱۳۴.
- کفانی، غسان (۲۰۱۳). *ام سعد*. بیروت: مؤسسه کفانی الثقافية للطباعة والنشر.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۲). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.
- وان دایک، تون. ای. (۱۳۸۲). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان ایزدی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان چیست. *تحقیقات روابط عمومی*، ۱۰ (۶۰)، ۵۸-۶۴.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة التاسعة، العدد ٤ (٣٦)، شتاء ١٤٤١، صص. ٣٧-١٩

استعراض ونقد لرواية أم سعد و دختر شينا على أساس تحليل الخطاب النقدي لفركلاف

مهين حاجي زاده^١

أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الانسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، إيران

معصومه قهرمان پور^٢

طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الانسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان، تبريز، إيران

القبول: ١٤٤١/٣/٢٢

الوصول: ١٤٣٩/١/١٤

الملخص

الخطاب النقدي هو شكل كامل من تحليل الخطاب، حيث يتم تحديده ودراسته فيما يتعلق بالطبقات اللغوية للخطابات الفعالة في العمل الأدبي. في الواقع، تستند هذه النظرية على محورين رئيسيين: التحليل اللغوي والتحليل الاجتماعي وفي بحث تحليل الخطاب النقدي لهاتين المحاورين، يقال عن العلاقة بين هاتين الكلمتين. في النهج الاجتماعي للخطاب، يتم وصف السياق وفي النهج اللغوي، يتم وصف نسيج النص. يسعى هذا البحث، بالنظر إلى أنواع الروابط، إلى دراسة الجوانب الأدبية والاجتماعية لرواية أم سعد من غسان كنفاني ودختر شينا من بهناز ضرابي زاده على أساس نموذج الخطاب النقدي لفركلاف عن طريق المنهج الوصفي - التحليلي واستخدام أدوات المكتبة. وهناك تقديرات، بما في ذلك: على مستوى وصفي، تنظيم جزء كبير من هاتين الروايتين، تساعد هذه الرسوم التوضيحية القارئ على اكتساب فهم عميق للموضوع والإلهام الرئيسي للقصة و الرواية. على مستوى التعليق، يجري تحليل سياق القصة، تلك الفترة في رواية أم سعد تعود إلى سنوات احتلال فلسطين من قبل الاحتلال الصهيوني وفي دختر شينا لسنوات الحرب بين إيران والعراق. على مستوى التفسير، الذي يعكس إيديولوجية الكاتب، يظهر التضال والمقاومة لاحتلال الوطن والاستقرار والمقاومة. أيضاً، في السياق الداخلي، تم تناول التفكير في مكافحة الاحتلال والاستدامة والمقاومة للمؤلف.

المفردات الرئيسية: الأب المقارن، الخطاب النقدي، أم سعد، دختر شينا.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی